۲۰ماه حکومت طالب شمول!

ایران و جامعه بین‌المللی از روند حکومت طالبان ناراضی هستند و لحن انتقادی در تهران رو به افزایش است

پرونده

سیدعباس حسینی

بیش از ۱/۵سال از بازگشت طالبان به قدرت در افغانستان می‌گذرد و طبق وعده‌ها و گمانه‌زنی‌هایی که قبل از این مطرح بود، دیگر برای همه مسجل شده بود که این جریان با درس عبرت گرفتن از دوره تلخ حکومت گذشته خود، به خاطر عدم‌همراهی، محبوبیت و مشروعیت لازم داخلی و بین‌المللی، چهره متفاوتی از خود به نمایش خواهد گذاشت. هر چند نشانه‌هایی از تغییر نگاه و رویکرد طالبان در ابعاد داخلی و بین‌المللی در طول بیش از ۱/۵سال گذشته دیده می‌شود، به خصوص در سطح سیاست‌های اعلامی، اما این سیاست‌ها و رویکردها، در دو بعد ملی و بین‌المللی، چندان زمینه عملی و عینی به خود نگرفته و با برخی از نارضایتی‌های رو به گسترش داخلی و همچنین بین‌المللی به خصوص در سطح همسایگان، از جمله ایران مواجه شده که روند کسب مشروعیت این حکومت را با سکته و مانع روبه‌رو کرده است.

ایران با توجه به نگاه معرفتی ویژه‌ای که رهبر معظم انقلاب اسلامی همواره به مسئله افغانستان داشته، به خصوص سخنان و مواضع ایشان پس از روی کار آمدن طالبان، مبنی بر اصل حمایت از ملت افغانستان، در طول بیش از ۱/۵سال گذشته رابطه تعاملی خوب و مثال‌زدنی را با حاکمیت سرپرست کنونی در این کشور، با هدف کمک‌رسانی به مردم مظلوم افغانستان در نتیجه بحران‌ها و آسیب‌های به وجود آمده پس از دوره ۲۰ساله اشغالگری امریکا و همپیمانان این کشور، در پیش گرفته است و شاید بتوان گفت که این تعامل در سطح کشورهای مختلف به خصوص همسایگان برجسته و متمایزتر است.

در نگاهی به این رویکرد تعامل‌گرای جمهوری اسلامی ایران با حاکمیت سرپرست کنونی در افغانستان، سه محور و نکته اساسی پیگیری شده که خطوط اساسی این رویکرد را نشان می‌دهد و هر نوع پیشرفت در سطح مناسبات بین دو کشور، به پیشرفت در این خطوط وابسته بوده است.

۱ دوری از تقابل نظامی، گذار سیاسی و تشکیل دولت فراگیر

ایران با درک شرایط کنونی افغانستان و مردم آن که توانایی رفتن به سوی یک جنگ دیگر را ندارند و اساساً ظرفیت‌های داخلی این کشور و منطقه دیگر توانایی یک بحران خانمان‌سوز و جنگ داخلی فراگیر میان جریان‌ها و گروه‌های متخاصم را ندارد، با این استراتژی و رویکرد اساسی روند تحولات این کشور را دنبال کرد که بدون رفتن به یک تنازع و تقابل دیگر، بر اساس یک رویکرد سیاسی فراگیر جهت تشکیل «دولت همه‌شمول» متشکل از اقوام، مذاهب و جریان‌های مختلف سیاسی و اجتماعی، افغانستان به سوی یک کشور باثبات به خصوص در بعد سیاسی گذار کند و در کنار آن، حاکمیت سرپرست جدید در کنار عمل به خواست‌ها و مطالبات داخلی در این کشور، به تعهدات همسایگی، منطقه‌ای و بین‌المللی نیز به عنوان یک حکومت مسئول عمل کند.

تشکیل دولت فراگیر در افغانستان، نه تنها خواست ایران، بلکه خواست متفق‌القول تمام کشورها و قدرت‌های همسایه، منطقه و جهان است، اما همزمان شاهد انعطاف‌ناپذیری حکومت طالبان در برابر این خواست جامعه جهانی هستیم، به گونه‌ای که آن را مداخله در امور داخلی افغانستان قلمداد کرده و حکومت سرپرست کنونی را متشکل از اقوام مختلف و فراگیر دانسته است، در حالی که در بهترین حالت، این حکومت، یک حکومت فراگیر در سطح جریان امارت اسلامی افغانستان یا طالبان است، نه فراتر از آن. پیشرفت نداشتن تلاش‌های طالبان برای رسیدن به چنین حکومتی، در محور مباحث مطرح شده وزیر امورخارجه ایران با سرپرست وزارت امورخارجه طالبان در حاشیه نشست وزرای خارجه کشورهای همسایه افغانستان به اضافه روسیه در سمرقند ازبکستان بود. در ویدئوی منتشرشده از اولین ثانیه‌های دیدار دو طرف، حسین امیرعبداللهیان خطاب به امیرخان متقی تأکید می‌کند که ۲۰ماه است منتظر تشکیل دولت فراگیر در افغانستان هستیم و آماده‌ایم خبرهای خوبی در این مورد بشنویم.

البته پیرامون عدم‌انعطاف‌پذیری طالبان در تشکیل یک دولت فراگیر سیاسی، چند نکته انتقادی وجود دارد که قابل تأمل است:

> مخالفت وزارت تحصیلات عالی طالبان با تدریس فقه جعفری در دانشگاه‌ها و پاسخ ندادن به مطالبه به رسمیت شناختن مذهب شیعه، اجرای قانون احوال شخصیه شیعیان افغانستان و همچنین سهمیه و جایگاه آنها در عرصه‌های حکومتداری و سیاسی، در داخل و خارج افغانستان از جمله ایران باعث نارضایتی شده است

اول، دولت فراگیر بیشتر به صورت یک اصطلاح عمومی و کلی مطرح شده، بدون اینکه جزئیات لازم مربوط به چگونگی تشکیل آن از سوی کشورهای مختلف ارائه شود. نوع موضع‌گیری‌های کلیِ مطرح شده در این مورد، تشکیل دولت فراگیر در افغانستان را عملاً تبدیل به یک «آرمانشهر» کرده که عملاً دستیابی به آن، با سبک و سیاق کنونی غیرممکن است.

دوم، تقریباً اکثر جریان‌ها و شخصیت‌های سیاسی در افغانستان پس از سقوط نظام گذشته از این کشور متواری شده و جایگاه و پایگاه خود را از دست دادند. این چهره‌ها و جریان‌های اکثراً وابسته به امریکا و غرب و بازیچه دست آنها، از یک‌سو دچار اختلاف دیدگاه‌های جدید و شدید پیرامون آینده افغانستان هستند که نتوانسته‌اند یک اپوزیسیون واحد تشکیل دهند و از سوی دیگر، همچنان چشم امیدشان به هدایت و رهبری و دریافت کمک‌های مالی از امریکا و غرب است. همچنین این چهره‌ها و جریان‌های متواری یک تجربه تلخ را در ۲۰سال گذشته پیرامون سوءمدیریت کشور به جا گذاشتند و به همین خاطر، طالبان به هیچ صورت حاضر نیست حکومت ائتلافی با آنها تشکیل دهد.

در این میان، سازمان ملل، کشورهای همسایه و قدرت‌های منطقه نتوانسته‌اند در طول بیش از ۱/۵سال گذشته، به عنوان یک میانجی‌گر قدرتمند وارد میدان شوند؛ از یک‌سو زمینه تداوم گفت‌وگوهای بین‌الافغانی را فراهم کنند و از سوی دیگر، راه‌حل کارآمد و عملیاتی منطقه‌ای را برای حل بحران کنونی افغانستان پیشنهاد بدهند تا زمینه مداخلات مجدد امریکا در این کشور فراهم نشود، اما درگیری کشورها و قدرت‌های منطقه در پرونده‌های جدید و تغییر اولویت‌های سیاست خارجی، به نوعی با عقب‌نشینی از افغانستان همراه بوده و بار دیگر زمینه را برای بازیگری و نفوذ امریکا در این کشور فراهم کرده است.

۲ احقاق حقوق مردم و کسب مشروعیت ملی

در کنار بحث دولت فراگیر در افغانستان، ایران به عنوان یک حاکمیت تمام عیار و قدرتمند اسلامی و شیعی، به خصوص با توجه به بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، از دریچه تعامل با حاکمیت سرپرست کنونی در افغانستان به دنبال احقاق حقوق مردم این کشور، به خصوص جامعه ۲۰ تا ۲۵درصدی شیعیان افغانستان بوده است. تهران در کنار این موضوع، تلاش کرده است با کمک‌های بشردوستانه و همچنین همکاری‌های فراگیر اقتصادی و تجاری با افغانستان و حاکمیت طالبان، در این شرایط خشکسالی، قحطی، فقر و بحران اقتصادی، در گذار به یک وضعیت باثبات‌تر در کنار مردم این کشور باشد که تلاش‌های آن برجسته و ملموس است، اما افزایش محدودیت‌های داخلی از سوی طالبان به خصوص در بحث آموزش و اشتغال دختران و زنان و دیگر موارد، همزمان با افزایش نارضایتی‌های داخلی در این کشور، سبب نگرانی‌ها و نارضایتی‌های جهانی از جمله در جمهوری اسلامی ایران، به خصوص نزد افکار عمومی شده است. جمهوری اسلامی ایران، در سخنان وزیر امورخارجه در نشست سمرقند در بحث آموزش پذیرفت که ممکن است طالبان در حال زمینه‌سازی برای ایجاد یک سیستم آموزشی اسلامی و تغییر سیستمی که در گذشته توسط غرب حمایت شده، با محدودیت‌هایی مواجه باشد، بنابراین آماده همکاری در این زمینه است، اما تداوم نارضایتی‌های داخلی در افغانستان، قطعاً روند کسب مشروعیت بین‌المللی از جمله توسط جمهوری اسلامی ایران را نیز متأثر خواهد ساخت.

مخالفت وزارت تحصیلات عالی طالبان در تدریس فقه جعفری در دانشگاه‌ها برای شیعیان و عدم پاسخ مثبت در راستای به رسمیت شناختن مذهب شیعه، اجرای قانون احوال شخصیه شیعیان افغانستان که در حقیقت قانون مدنی شیعیان بر اساس فقه جعفری است و همچنین سهمیه و جایگاه آنها در عرصه‌های حکومتداری و سیاسی، طبعاً نارضایتی‌ها در داخل و خارج افغانستان از جمله در جمهوری اسلامی ایران را نیز به دنبال داشته است.

۳ عمل به تعهدات بین‌المللی به خصوص حقابه هیرمند

در کنار اینکه مطالبات داخلی در افغانستان توسط حکومت سرپرست کنونی مورد توجه کشورهای مختلف از جمله جمهوری اسلامی ایران بوده، این کشور از دریچه تعامل با حکومت طالبان، به دنبال تأمین منافع ملی خود از طریق تأمین امنیت مرزها و پرداخت حقابه قانونی خود از رودخانه هیرمند است که با وجود تعهدات طرف افغانستانی، تاکنون به صورت کامل عملی نشده و سبب نارضایتی‌های فراگیری در داخل ایران، به خصوص با توجه به خشکسالی و بی‌آبی بی‌سابقه در منطقه شده و فشارهای داخلی را در ایران بر دولت به شدت افزایش داده است.

در راستای گسترش تعاملات بین دو طرف، ایران طی اقدامی دست به تغییر در رهبری سفارت افغانستان در تهران، از یک دیپلمات ارشد وابسته نظام گذشته این کشور، به یک دیپلمات وابسته به وزارت امورخارجه طالبان زد و به صورت عملی نشان داد خواهان گسترش تعاملات و اجرای تعهدات دوجانبه است، اما در برابر آن، هرچند از میزان درگیری‌های نادرست و ناآگاهانه مرزی توسط نیروهای طالبان کاسته شده، ولی در مسئله پرداخت حقابه ایران پیشرفت عملی و عینی دیده نمی‌شود. متأسفانه مسئله آب، به رغم توافقنامه سال ۱۳۵۱ بین دو کشور، در طول ۲۰سال گذشته با حضور امریکا و دولت‌های تحت حمایت آن و التزام به آن، یک مشکل و چالش جدی در روابط دو کشور بود و شاهد برخی شیطنت‌ها و محدودیت‌ها در راستای ممانعت از پرداخت حقابه ایران و حتی انحراف مسیر این حقابه با ایجاد سد کمال‌خان بودیم. در این بین، یک بار که طالبان حقابه ایران را از سد کمال‌خان رها کرد، این آب به جای اینکه در مسیر واقعی آن سرازیر شود، سر از شوره زار و تالابی به نام «گود زره» درآورد.

به هر حال، آنچه مشخص است اینکه به رغم وعده‌ها و اعلام پایبندی حکومت سرپرست طالبان به پرداخت حقابه طبیعی و قانونی ایران از رودخانه هیرمند، روز به روز بر نارضایتی ایران افزوده می‌شود. این نارضایتی دولتی آهسته آهسته با تشدید نارضایتی‌های مردمی نیز به خصوص در سیستان و بلوچستان همراه شده است. به گفته سخنگوی وزارت امورخارجه، پاسخ‌های حکومت طالبان در راستای عدم پرداخت حقابه نتوانسته قناعت ایران را به دست آورد و همان طور که وزیر امورخارجه بیان کرد، جمهوری اسلامی ایران در زمینه دریافت حقابه خود از افغانستان به هیچ صورت کوتاه نخواهد آمد و از تمام گزینه‌ها و ظرفیت‌ها در این مسیر استفاده خواهد کرد.

لحن صحبت‌های وزیر امورخارجه ایران در دیدار دوجانبه با سرپرست وزارت امورخارجه طالبان و همچنین سخنانی که در نشست سمرقند بیان کرد و پس از آن، مواضع نماینده ویژه ریاست جمهوری اسلامی ایران و ریاست سفارت ایران در افغانستان، به خصوص مصاحبه اخیر آقای کاظمی قمی با خبرگزاری صدای افغان(آوا) در کابل، نشان‌دهنده صریح‌اللهجه شدن انتقادهای ایران از حاکمیت کنونی افغانستان به دنبال افزایش نارضایتی‌ها از اجرا نشدن تعهدات طرف مقابل به خصوص در بحث حقابه است، هرچند به گفته آقای کاظمی‌قمی، جمهوری اسلامی ایران از حکومت سرپرست کنونی انتقاد نمی‌کند، بلکه از سر خیرخواهی و حسن نیت مسائل و مشکلات موجود را بیان می‌کند و خواهان التزام عملی به سیاست‌ها و تعهدات اعلامی از سوی این حکومت است.

دورنما

دکتر سیدرضا میرطاهر

بازگشت به عصر نظامی‌گری اروپا

افزایش هزینه‌های نظامی در سطح جهان و اروپا نشان می‌دهد، دیگر دول اروپایی احتمال جنگ را اندک قلمداد نمی‌کنند

هزینه‌های نظامی در اروپا در سال ۲۰۲۲ حتی از سطح پایان جنگ سرد نیز بیشتر شده است. از سه دهه قبل تاکنون سابقه نداشته است رقم این شاخص تا این اندازه افزایش یافته باشد. جنگ اوکراین علت اصلی افزایش بی‌سابقه هزینه‌های نظامی است. لهستان، هلند و سوئد از جمله کشورهایی هستند که بیشترین سرمایه‌گذاری نظامی خود را طی دهه گذشته در نیروهای مسلح خود انجام داده‌اند. عامل دیگر افزایش هزینه‌های نظامی جهان تنش‌های فزاینده و لاینحل در منطقه آسیا پاسیفیک بین چین از یک طرف و امریکا و متحدان غربی و آسیایی آن از طرف دیگر است، البته باید تأکید شود که در تمام قاره‌ها، هزینه‌های نظامی در سال گذشته به رقم بی‌سابقه ۲/۲۴۰میلیارد دلار رسید که از نظر درصد حدود ۲/۲درصد از کل تولید ناخالص داخلی جهانی را بر اساس داده‌های مؤسسه بین‌المللی تحقیقات صلح استکهلم (سیپری) به خود اختصاص داده است. در سطح جهان، این هشتمین سال متوالی است که هزینه‌های نظامی روند افزایش را طی می‌کند.

افزایش بی‌سابقه

فقط در اوکراین، هزینه‌های نظامی به ۴۴میلیارد دلار در سال افزایش یافته است که این رقم یک‌سوم کل تولید ناخالص داخلی این کشور را تشکیل می‌دهد. این، علاوه بر دهها میلیارد دلار کمک‌های نظامی و تسلیحاتی است که بلوک غرب در اختیار اوکراین قرار داده است. ارزیابی‌ها حاکی از آن است که روسیه نیز هزینه‌های نظامی و سرمایه‌گذاری در نیروهای مسلح خود را به میزان ۹/۲درصد افزایش داده است، اما حتی اگر دو کشور درگیر جنگ را در نظر نگیریم، هزینه‌ها در اروپا به طور قابل توجهی افزایش یافته است. کشورهای اروپایی سال گذشته در مجموع، حدود ۴۸۰میلیارد دلار در نیروهای مسلح خود سرمایه‌گذاری کرده‌اند. این در حالی است که هزینه‌های نظامی در کشورهای اروپایی طی ۱۰سال گذشته فقط به میزان یک سوم افزایش یافته بود. «نان تیان» کارشناس نظامی می‌گوید: «جنگ اوکراین باعث شد کشورهای اروپایی به فکر افزایش بی‌سابقه هزینه‌های نظامی خود بیفتند.»

همچنین رشد قابل توجه بودجه نظامی انگلیس که از اتحادیه اروپا جدا شده، به رغم شرایط بحرانی اقتصاد و جامعه این کشور، تلاشی در راستای همراهی بیشتر با امریکا در ماجراجویی‌های نظامی آن در اروپا و سایر نقاط جهان و در عین حال تظاهر به حفظ قدرت و نفوذ نظامی لندن به رغم جدایی آن از اتحادیه اروپا و نیز اقدامی در راستای مقابله با قدرت‌های رقیب غرب یعنی روسیه و چین است. دفتر نخست وزیر بریتانیا در توجیه علل افزایش هزینه نظامی این کشور گفته که «لازم است ما در مقابل اقدامات قهری قدرت‌های استبدادی از قبیل روسیه و چین، با قاطعیت بایستیم.» تصمیم دولت لندن در افزایش دو برابری بودجه نظامی در حالی اتخاذ و اعلام می‌شود که بدهی‌های دولتی به بالاترین سطح از تاریخ این کشور رسیده است. همچنین نرخ تورم، قیمت مواد غذایی و قیمت حامل‌های انرژی نیز افزایش قابل توجهی داشته، ضمن اینکه ارزش پوند و میزان اعتماد مصرف کنندگان بریتانیایی به پایین‌ترین رقم در طول چند دهه اخیر تنزل پیدا کرده و چشم انداز تاریکی را فرا روی مردم این کشور ایجاد کرده است.

> از نگاه برلین تهاجم روسیه به اوکراین برخلاف دیدگاه غالب درباره اینکه احتمال بروز جنگ کلاسیک در قاره اروپا، به خصوص پس از جنگ جهانی دوم بسیار کم است، تحولات سیاسی و نظامی موجب شده است احتمال جنگ محتمل باشد، لذا برلین با اختصاص بودجه‌ای ۱۰۰میلیارد یورویی نوعی جهش در توانمندی نظامی خود ایجاد کرده است

نقش جنگ اوکراین

تغییر اساسی در رویکرد نظامی و امنیتی کشورهای اروپایی به ویژه آلمان به عنوان مهم‌ترین کشور اروپایی و بزرگ‌ترین اقتصاد اروپا پس از حمله روسیه به اوکراین رخ داده است. در واقع جنگ اوکراین به مثابه عاملی تسریع کننده در زمینه نظامی‌گرایی در اروپا عمل کرده است. این جنگ که پس از جنگ جهانی دوم در قاره سبز بی‌سابقه تلقی می‌شود، موجب شده است تحولی جدی و عمیق در رویکردهای نظامی، امنیتی و حتی تسلیحاتی کشورهای اروپایی رخ دهد. مثال بارز این موضوع، افزایش بی‌سابقه بودجه نظامی دو کشور آلمان و لهستان و نیز سفارش تسلیحات جدید به امریکاست. در مورد آلمان، دولت آنگلا مرکل، صدر اعظم سابق این کشور به رغم دادن وعده‌های بسیار، از عمل به تعهد خود به عنوان یکی از اعضای ناتو در زمینه اختصاص ۲درصد تولید ناخالص داخلی به امور نظامی خودداری می‌کرد. این موضوع به ویژه در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق امریکا تبدیل به یکی از اختلافات عمده برلین و واشنگتن شده بود و حتی ترامپ برای مجازات آلمان دستور خروج شمار قابل توجهی از نیروهای امریکایی مستقر در این کشور را صادر کرد. در دوره ریاست جمهوری جو بایدن، با توجه به رویکرد وی مبنی بر احیای همگرایی فراآتلانتیکی، دولت برلین نرمش بیشتری در این زمینه نشان داد و بودجه نظامی خود را افزایش داد، با این حال جنگ اوکراین به منزله عاملی تسریع کننده در بحث هزینه‌های نظامی آلمان عمل کرد. از نگاه برلین این تهاجم نشان داد برخلاف دیدگاه غالب درباره اینکه در قاره اروپا احتمال بروز یک جنگ کلاسیک آن هم پس از جنگ جهانی دوم بسیار کم شمرده می‌شد، تحولات سیاسی و نظامی موجب شده است این امر غیر محتمل رخ دهد، لذا برلین در راستای افزایش آمادگی نظامی خود برای مقابله با تهدیدات کنونی و آتی به ویژه از جانب روسیه، با اختصاص بودجه‌ای ۱۰۰میلیارد یورویی نوعی جهش در توانمندی نظامی خود ایجاد کرده است. نکته جالب اینکه این مبلغ حتی از معیار تعیین شده توسط ناتو نیز فراتر رفته است. این اقدام با استقبال واشنگتن مواجه شد، به ویژه اینکه دولت آلمان در چرخشی بی‌سابقه حتی خواهان خرید شمار قابل توجهی جنگنده نسل پنجمی اف۳۵ از امریکا شده، البته تغییر رویکرد نظامی آلمان با انتقاد احزاب مخالف روبه‌رو شده است.

با این حال واقعیت این است که افزایش قابل توجه و بی‌سابقه بودجه اختصاص یافته برای هزینه‌های نظامی و تسلیحاتی در آلمان، عملاً موجب خواهد شد با توجه به محدودیت منابع مالی به صورتی اجتناب ناپذیر هزینه‌ها و کمک‌های اجتماعی در چارچوب دولت رفاهی روندی کاهشی به خود بگیرد. این امر برای اقشار وسیعی از مردم آلمان که طی دو سال گذشته به دلیل همه‌گیری ویروس کرونا با ازدست دادن مشاغل و نیز تعطیلی بسیاری از کسب و کارها مواجه بوده‌اند، خبری ناگوار محسوب می‌شود. ضمن اینکه جنگ اوکراین اکنون به موهبتی غیر منتظره برای شرکت‌های تسلیحاتی امریکایی تبدیل شده و موجب سفارش اقلام عظیمی از تسلیحات مختلف به این شرکت‌ها از جانب کشورهای اروپایی شده است.

در نگاه کلی، امریکا به عنوان سردمدار ناتو در راستای منافع سیاسی، اقتصادی و امنیتی خود نه فقط شرکای اروپایی خود را تشویق به ارسال هر چه بیشتر تسلیحات به اوکراین می‌کند بلکه با دامن زدن به آتش بی‌ثباتی و ناامنی در اروپا ضمن تثبیت هر چه بیشتر موقعیت خود در اروپا، زمینه وابستگی امنیتی و نظامی هر چه بیشتر کشورهای اروپایی به واشنگتن را فراهم کرده است. این، به ویژه متضمن سودهای هنگفتی برای مجتمع‌های نظامی - صنعتی ایالات متحده از رهگذر فروش‌های فزاینده تسلیحاتی به کشورهای اروپایی است. خرید تجهیزات نظامی مدرن، اما بسیار گران‌قیمت، مانند هواپیمای جنگنده امریکایی اف۳۵ از جمله دلایل اصلی افزایش هزینه‌های نظامی در این کشورها بوده است. همچنان که کشورهایی مانند آلمان که تا قبل از این چندان تمایلی به خرید انواع سامانه‌های تسلیحاتی امریکایی نداشتند اکنون در صف خرید این جنگ‌افزارها قرار دارند.